

انواع سازوکار زمانبندی متغیر سوپاپها

VVT

۱. سازوکار تغییر زاویه بادامک

زمانبندی متغیر سوپاپ از نوع تغییر زاویه بادامک ساده‌ترین، ارزانترین، و متداول‌ترین سازوکاری است که در حال حاضر مورد استفاده قرار می‌گیرد.

اساساً این سازوکار زمانبندی سوپاپها را با تغییر دادن زاویه زمانبندی میل بادامک تغییر می‌دهد. به عنوان مثال در سرعت زیاد میل بادامک تنفس به اندازه ۳۰ درجه چرخانده می‌شود تا سوپاپ هوا زودتر باز شود. این حرکت با

استفاده از عملگر هیدرولیکی اعمال شده و مقدار جابجایی مورد نیاز توسط سیستم کنترل الکترونیک موتور مراقبت و تنظیم می‌شود.

توجه داشته باشید که سازوکار تغییر زاویه بادامک نمی‌تواند زاویه بازبودن سوپاپ را تغییر دهد و فقط دیر یا زود باز شدن سوپاپ تنفس را تغییر می‌دهد. در نتیجه اگر سوپاپ هوا زود باز شود، زود هم بسته می‌شود و اگر دیر باز شود، دیر هم بسته می‌شود. همچنین نمی‌تواند کورس باز شدن سوپاپ را نیز تغییر دهد. با این وجود ساده‌ترین، و ارزانه‌ترین شکل سازوکار زمانبندی متغیر سوپاپ محسوب می‌شود. زیرا برخلاف سایر سازوکارها که برای هر سیلندر یک عملگر مستقل نیاز دارد، این سازوکار برای هر میل بادامک تنها به یک عملگر هیدرولیکی نیاز دارد.

تغییر پیوسته یا گسسته زاویه میل بادامک

ساده‌ترین سازوکار تغییر زاویه بادامک فقط ۲ یا ۳ نقطه ثابت برای تغییر زاویه دارد، مثلاً زاویه ۰ و ۳۰ درجه. سیستم بهتر سازوکار تغییر پیوسته زاویه بادامک می‌باشد که هر زاویه‌ای بین ۰ تا ۳۰ درجه را برحسب سرعت پوشش می‌دهد. واضح است که بدین ترتیب زمانبندی بهینه برای هر سرعتی

قابل تنظیم است، ضمن آنکه تغییرات نیز با پیوستگی صورت می‌گیرد که مزیت مهمی است. برخی طراحیها مانند سیستم:

BMW: VANOS (VARIABLE NOckenwellenspreizung, Variable Separation Camshaft Lobe

بر روی هر دو میل بادامک تنفس و تخلیه سازوکار تغییر پیوسته زاویه بادامک

قرار دارد و موجب می‌شود تا قیچی سوپاپ یا همپوشانی بیشتری بدست

آمده و بازدهی بیشتری حاصل شود. به همین دلیل است که خودروی M³

۳.۲ از نمونه قبلی خود ۳.۰ M³ که فقط روی میل بادامک تنفس عملگر تغییر

پیوسته زاویه بادامک دارد، بازدهی بیشتری داشته و قدرت ۱۰۰ اسب بخار

در هر لیتر تولید می‌کند. در سری E۴۶ این سازوکار بر روی میل بادامک تنفس

۴۰ درجه و بر روی میل بادامک دود ۲۵ درجه تغییر زاویه ایجاد می‌کند.

مثال ۱

BMW's Vanos

Camshaft Lobe Variable NOckenwellenspreizung, Variable)

(Separation

همانطوریکه در شکل دیده می شود، کارکرد این مجموعه بسیار

آسان است. به انتهای میل بادامک یک چرخنده هلیکال متصل شده است. این

چرخنده هلیکال در درون یک فنجانی قرار داشته و می تواند در امتداد محور

میل بادامک حرکت خطی داشته باشد. از انجائیکه چرخنده هلیکال دارای

دندانه های مایل می باشد، در اثر حرکت خطی فنجانی زاویه میل بادامک نسبت

به چرخنده تایمینگ اختلاف فاز پیدا می کند و موجب تقدم یا تاخیر

در باز و بسته شدن سوپاپها می شود و به همین ترتیب عقب رفتن فنجانی

اختلاف فاز در جهت معکوس ایجاد می کند. مقدار جابجایی فنجانی بستگی به

اختلاف فشار هیدرولیک دارد. به این ترتیب که در کنار فنجانی دو حفره برای

روغن قرار داشته و یک پیستون نازک در وسط آن دو حرکت می کند. جریان

روغن بوسیله یک شیر الکترومغناطیس کنترل شده و روغن به میزان لازم

وارد حفره مورد نظر در سمت جلو یا عقب پیستون می شود. سپس حرکت پیستون توسط یک محور به فنجانی منتقل و سبب جلو یا عقب رفتن آن شده و در نتیجه مقدار پیش افتادن یا تاخیر در زاویه میل بادامک تنظیم می شود. به عبارت دیگر اگر مطابق شکل سامانه مدیریت موتور فرمان ورود روغن به حفره سبز رنگ را صادر کند، پیستون به طرف میل بادامک حرکت کرده و فنجانی را هم به طرف میل بادامک می راند. در نتیجه موجب پیش افتادگی در زاویه باز و بسته شدن سوپاپها خواهد شد. به این ترتیب تغییر پیوسته زمانبندی سوپاپها براساس موقعیت قرارگیری فنجانی بدست می آید.

مثال ۲

VVT-i Toyota

(Variable Valve Timing - Intelligent)

میل بادامک متغیر هوشمند توپوتا در مدل‌های مختلف خودروها، از تینی

واریس Tiny Yaris تا سوپرا Supra نصب و مورد استفاده می‌باشد. این

مکانیزم کم و بیش شبیه سیستم بکار رفته در BMW است ضمن آنکه تغییر

پیوسته زمانبندی سوپاپها را نیز شامل می‌شود. با این وجود استفاده از لغت

هوشمند بخاطر هوشمندی برنامه کنترل آن است. بطوریکه علاوه بر تغییر

پیوسته زاویه بادامک براساس سرعت موتور، تغییر آن براساس عوامل دیگر

مانند شتاب، شیب روی بطرف بالا و پایین را نیز شامل می‌شود.

۲. سازوکار تعویض بادامک

شرکت هندا در دهه ۸۰ میلادی با ارائه سیستم معروف به VTEC پیشگام

استفاده از VVT در خودروهای سواری محسوب می‌شود. این عنوان در

واقع مخفف Timing Electronic Control Valve بوده و برای اولین بار

در خودروی Civic CRX و Civic NS-X مورد استفاده قرار گرفت و پس از آن بر روی سایر مدلها رایج گردید.

این سیستم در واقع از دو سری بادامک با شکل نیمرخ تشکیل شده تا زمانبندی متفاوتی را تولید نماید. یک سری از بادامکها در شرایط عادی و سرعت کمتر از ۴۵۰۰ دور در دقیقه مورد استفاده قرار می گیرد. مجموعه

دیگر بادامکها مربوط به سرعت بیشتر است. بدیهی است که چنین سازوکاری قادر به تغییر پیوسته زمانبندی درچه ها نیست و در نتیجه در سرعت کمتر از ۴۵۰۰ دور در دقیقه خودرو حرکت نرمی داشته و در سرعت بیشتر از آن

بطور ناگهانی اوضاع تغییر می کند. این مجموعه توان بیشینه را افزایش داده و سرعت دورانی بیشینه موتور را مانند یک خودروی مجهز به میل بادامک مسابقه ای، به بیش از ۸۰۰۰ دور دقیقه می رساند و موجب می شود تا در یک

موتور ۱۶۰۰ سی سی توان بیشینه ۳۰ اسب بخار افزایش یابد. با این وجود برای رسیدن به چنین توان قابل توجهی باید سرعت موتور از مقدار معینی

بیشتر باشد و رسیدن به آن نیازمند تعویض دنده مکرر خواهد بود. شرکت

هندا اخیراً در برخی مدلها سیستم VTEC دو مرحله‌ای را به یک سیستم ۳

مرحله‌ای توسعه داده است. اگرچه این مجموعه همچنان نسبت به سیستمهای

تغییر پیوسته زاویه بادامک ضعیف‌تر می‌باشد ولی چون می‌تواند ارتفاع

گشودگی سوپاپها را نیز تغییر دهد، یک سازوکار VVT قدرتمند محسوب

می‌شود.

فهرست انواع خودروها با سازوکار تعویض بادامک

Advantage: Powerful at top end

Disadvantage: ۲ or ۳ stages only, non-continuous; no much

to torque; complex improvement

Who use it? Honda VTEC, Mitsubishi MIVEC, Nissan Neo

VVL

مثال ۱

Honda's ۳-stage VTEC

(Valve Timing Electronic Control)

آخرین سیستم ۳ مرحله‌ای VTEC که بر روی خودروی Civic با موتور تک

میل بادامک رو در ژاپن بکار رفته در شکل دیده می شود. این سازوکار دارای

۳ بادامک با زمانبندی و برآمدگی مختلف است. لازم به ذکر است که ابعاد و

شکل نیمرخ بادامکها نیز با یکدیگر متفاوت می باشد. به عبارت دیگر بادامک

سمت راست دارای نیمرخ با برآمدگی متوسط و سرعت باز و بسته شدن

آرام، بادامک سمت چپ دارای نیمرخ با برآمدگی کم و سرعت باز و بسته

شدن آرام، و بادامک میانی دارای نیمرخ با برآمدگی زیاد و سرعت باز و

بسته شدن تند است.

مثال ۲

Nissan Neo VVL

این مجموعه بسیار شبیه سیستم بکار رفته در هندای بوده ولی بادامکهای سمت چپ و راست دارای منحنی نیمرخ یکسانی هستند. در سرعت کم هر دو بازو مستقل از هم عمل کرده و سرعت حرکت آرامتر و گشودگی کمتر سوپاپها را موجب می شود و در سرعت بالا هر سه بازو به یکدیگر متصل شده و سرعت حرکت تندتر و گشودگی بیشتر سوپاپها را موجب می شود. شاید تصور کنید که این سازوکار یک سازوکار دو مرحله ای است، در صورتیکه مشابه همین سازوکار برای میل بادامک دود نیز وجود داشته و در نتیجه ۳ مرحله به شرح ذیل قابل دسترسی می باشد:

۱. در سرعت کم هر دو سوپاپ دود و هوا در وضع آرام هستند.
۲. در سرعت متوسط سوپاپ هوا در وضع تند و سوپاپ دود در وضع

آرام است

۳. در سرعت تند هر دو سوپاپ دود و هوا در وضع تند هستند .

شانزده سوپاپ با دو میل بادامک رو

DOHC - ۱۶ Valve

طراحی ویژه‌ای که برای سرسیلندر و محفظه احتراق موتور در نظر گرفته شده از نوع کاملاً پیشرفته بوده و برای هر سیلندر چهار سوپاپ برای تنفس و تخلیه در نظر گرفته شده است. یعنی ۲ سوپاپ برای ورود مخلوط سوخت و هوا، و ۲ سوپاپ برای تخلیه دود. سوپاپهای هوا هر دو در یک طرف سرسیلندر واقع شده‌اند و سوپاپهای دود نیز در طرف دیگر. به این ترتیب تنفس و تخلیه موتور تا حد قابل ملاحظه‌ای بهبود یافته و موجب می‌شود تا مخلوط هوای ورودی به موتور زیاد شده و متناسب با آن قدرت موتور افزایش یابد. در موتورهای احتراق داخلی چهار زمانه همانطوریکه می‌دانید تنها در مرحله احتراق قدرت تولید می‌شود و در مراحل دیگر شامل مرحله

تنفس، تراکم، و تخلیه، کار فقط مصرف می شود. مزیت مهمی که از ۱۶ سوپاپ کردن موتور بدست می آید این است که هنگام تنفس برای مکیدن مخلوط تازه به درون سیلندر و تخلیه دود به بیرون کار کمتری مصرف خواهد شد زیرا وجود دو دریچه گفته شد که در طراحی موتور امکانات فنی ویژه ای مانند: توربوشارژر، ۱۶ سوپاپ با دو میل بادامک رو، زمانبندی متغیر سوپاپ و غیره در نظر گرفته خواهد شد. درباره ۱۶ سوپاپ و دو میل بادامک بودن مطالبی گفته شد. اکنون می خواهیم مزایای زمانبندی متغیر سوپاپ را بررسی کنیم. زمانبندی سوپاپها چیست و چه اثری بر کارکرد موتور دارد؟ این سؤالی است که پاسخ آن استفاده از مکانیزم زمانبندی متغیر سوپاپها را توجیه خواهد کرد.

زمانبندی متغیر سوپاپها

VVT

پس از آنکه فن آوری بکارگیری چندسوپاپ بر روی موتورها به عنوان یک سازوکار استاندارد درآمد، زمانبندی متغیر سوپاپها قدم بعدی برای بهبود عملکرد حاصل از موتورها انتخاب شد؛ آنهم نه فقط برای افزایش قدرت و گشتاور. همانطوریکه می دانید زمانبندی تنفس و تخلیه توسط شکل و زاویه قرارگیری بادامکها تنظیم می شود. برای آنکه وضع تنفس بهینه باشد، موتور به زمانبندی مختلف سوپاپ در سرعتهای مختلف نیاز دارد. وقتیکه سرعت موتور افزایش می یابد، زمان لازم برای تنفس و تخلیه کم می شود و بنابراین فرصت کافی برای ورود مخلوط تازه به درون موتور و محفظه احتراق و خروج سریع دود از موتور وجود ندارد. بنابراین بهترین راه حل این استکه سوپاپ دود دیرتر بسته شده و سوپاپ هوا زودتر باز شود. به عبارت بهتر همپوشانی سوپاپهای دود و هوا باید متناسب با افزایش سرعت بیشتر شود.

بدون استفاده از فن آوری زمانبندی متغیر سوپاپها، مهندسين مجبورند زمانبندی میانه ای را برای موتور انتخاب کنند. برای مثال در یک خودروی

باری ممکن است زاویه همپوشانی کمی در نظر گرفته شود زیرا عموماً آنرا با سرعت کم می‌رانند. برعکس یک خودروی مسابقه‌ای نیازمند زاویه همپوشانی زیاد است زیرا باید در حداکثر سرعت، حداکثر قدرت را داشته باشد. یک خودروی معمولی از زاویه همپوشانی متوسط برخوردار است زیرا چه در سرعت کم و چه در سرعت زیاد باید کارکرد مناسبی داشته باشد و نمی‌توان در این خودروها یک ناحیه را قربانی ناحیه دیگر کرد در صورتیکه در خودروی مسابقه یا خودروی باری می‌توان ناحیه‌ای از عملکرد را که کمتر مورد توجه می‌باشد را قربانی ناحیه دیگر نمود. با استفاده از زمانبندی متغیر سوپاپ، قدرت و گشتاور می‌تواند در ناحیه وسیعی از سرعت بهینه شود. بدون آنکه اثر منفی بر روی سایر کمیتها دیده شود. نتایج اصلی حاصل از بکارگیری VVT به شرح زیر است:

• افزایش توان بیشینه در سرعت دورانی بیشتر. به عنوان مثال توان

خروجی یک نمونه موتور نیسان مجهز به VVT در حدود ۲۵ درصد از

موتور بدون VVT بیشتر است (Nissan Neo VVL ۲-Lit).

• افزایش گشتاور بیشینه در سرعت دورانی کمتر که بهبود چابکی (

Drivability) و افزایش شتاب خودرو را بدنبال دارد. برای مثال در

یک نمونه خودروی فیات ۹۰ درصد از گشتاور بیشینه در سرعت

دورانی بین ۲۰۰۰ تا ۶۰۰۰ دور در دقیقه بدست می آید که حاکی از

ثابت بودن تقریبی منحنی گشتاور در ناحیه نسبتاً وسیعی از سرعت

دورانی است (Fiat Barchetta's ۱.۸ VVT).

در برخی طراحیها، کورس بازشدن سوپاپ نیز می تواند متناسب با سرعت

موتور تغییر کند. در سرعت دورانی زیاد، کورس زیادتر سوپاپ جریان تخلیه

و تنفس را تسریع کرده، و تنفس و تخلیه بهتر می شود. البته در سرعت

دورانی کم کورس زیاد سوپاپ تنفس اثر منفی بر کیفیت مخلوط سوخت و هوا

داشته و اختلاط آنها را با اشکال مواجه می‌کند، در نتیجه موجب بروز بدسوزی و کاهش کارآیی و توان می‌شود. بنابراین کورس جابجایی سوپاپ باید متناسب با سرعت موتور متغیر باشد.

برای ورود هوا و دو دریچه برای خروج دود، سهولت بیشتری را برای جریان هوا ایجاد کرده و بنابراین برای تنفس و تخلیه زحمت کمتری هدر می‌رود یا به عبارت بهتر کار منفی کمتری برای آن صرف خواهد شد. اصطلاح علمی این موضوع Pumping Lost نام دارد. زیرا در واقع موتور عمل پمپ کردن را انجام می‌دهد. یعنی دود را به طرف بیرون رانده و مخلوط تازه را به درون می‌کشد و کاملاً مانند یک پمپ عمل می‌کند و چون کار انجام شده منفی است به آن تلفات پمپی گفته می‌شود.

از طرفی قرار دادن ۴ سوپاپ در چهار طرف محفظه احتراق شکل کاملاً متقارنی را در محفظه احتراق ایجاد کرده و محفظه احتراق به شکل عرقچین یا بخشی از یک کره در می‌آید که بهترین نوع محفظه احتراق می‌باشد. شمع در

بالای عرقچین و در مرکز آن قرار دارد که موجب می شود احتراق از یک جای مناسب شروع شده و جبهه شعله تمامی مخلوط سوخت و هوای موجود در محفظه احتراق را بپیماید. در اینصورت بهترین وضع از نظر احتراق وجود خواهد داشت. مهمترین نتیجه‌ای که از این موضوع حاصل می‌شود بهبود وضع احتراق و افزایش بازده حرارتی موتور خواهد بود. زیرا شمع کوتاهترین فاصله را از تمامی نقاط محفظه احتراق دارد و این فاصله نیز تقریباً به یک اندازه است و باعث می‌شود سرعت احتراق افزایش یافته و مخلوط سوخت و هوا در کمترین زمان ممکن محترق شده و حرارت کافی برای انبساط گاز را فراهم کند. همین امر بازده حرارتی را افزایش داده و مصرف سوخت را کم می‌کند.

از طرفی همانطوریکه می‌دانید آلودگی که از موتور خارج می‌شود ناشی از احتراق ناقص سوخت است. به عبارت دیگر اگر سوخت فرصت کافی برای محترق شدن را بدست نیاورد بصورت نسوخته و ناقص مانند: Co و HC از

موتور خارج می شود. در موتوری که سرعت احتراق در آن زیاد باشد، احتراق آن کاملتر بوده و آلودگی کمتری را نیز تولید خواهد کرد.

همچنین این نوع محفظه احتراق از نظر هندسی نسبت سطح به حجم کمتری داشته و تلفات ناشی از انتقال حرارت در آن کمترین است. بطور خلاصه مزیتهایی که از این نوع محفظه احتراق بدست می آید عبارتند از:

- افزایش بازده حجمی و کاهش تلفات پمپی
- افزایش بازده حرارتی
- افزایش قدرت موتور
- کاهش مصرف سوخت ویژه
- کاهش آلودگی حاصل از احتراق ناقص سوخت مانند Co , HC
- کاهش تلفات حرارتی

... ○

تمام مزیت‌هایی که ذکر شد تنها از ۱۶ سوپاپ و دو میل بادامک بودن (

DOHC) موتور بدست می‌آید. درحالی‌که هنوز مزایای VVT و

توربوشارژر ناگفته مانده است.

سایت همکلاسی